

الگوی عملی برای جهان اسلام...

■ شهید علامه سید عارف حسین حسینی در آئینه توصیف استادان و یاران

هراسان بودند، مجال ندادند که این درخت سرسبز کاملاً به ثمر نشیند و ملت مسلمان از نتیجه مبارزاتش بهره‌مند گردد، افسوس و صد افسوس که این شیاطین سیاه‌روی تیره‌دل، این مرد مجاهد را از ما گرفتند، ولی خون مقدس او کار خود را کرد و آنچه را دشمنان اسلام نمی‌خواستند و از آن وحشت داشتند، به مسلمانان ارزانی داشت، یعنی صفوف را متحدتر و فشرده‌تر و مردم را آگاه‌تر و بیدارتر و جوانان را پرشورتر و مصمم‌تر ساخت. اعلی‌الله مقامه الشریف و جعل‌الله الجنة المآواه بمحمد و آله الطاهرین قم - حوزه علمیه الاحقر ناصر مکارم شیرازی



مروج راستین انقلاب اسلامی

■ آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله

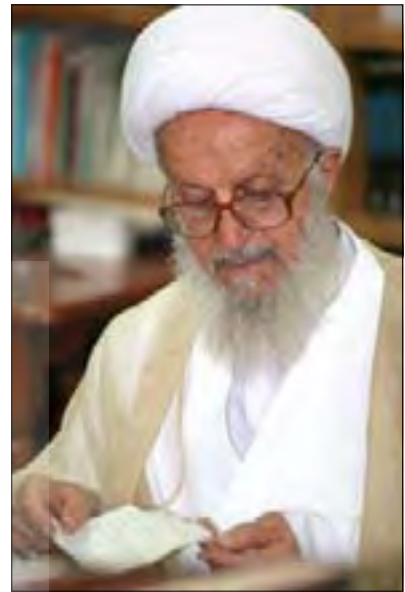
شخصیت این مجاهد بزرگ، الگوی عملی برای جهان اسلام است. کوشش و جهاد ایشان موجب گسترش نهضت اسلامی گشت. ایشان به‌ویژه در تبلیغ و ترویج اهداف اسلامی ایران سهم به‌سزایی داشت تا جایی که مخالفین احساس خطر کردند که اگر نهضت و حرکت و اندیشه و فکر اسلامی او همچنان آزاد گذاشته شود، مانع بزرگی در راه سیاست‌های استکبار جهانی خواهد شد.

ما بعد از عرض تبریک و تسلیت به خانواده شهید و جمیع علماء و مجاهدین، از حکومت پاکستان می‌خواهیم که قاتلان ایشان را به کیفر برساند و پرده از این توطئه شوم بردارد.

صاحب تقوا و استعدادی ممتاز

■ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

مرحوم علامه سید عارف حسین حسینی اعلی‌الله مقامه الشریف را از آن زمان که در حوزه درس اصول اینجانب در حوزه علمیه قم شرکت می‌کرد، می‌شناختم. او به‌راستی مردی مثبت، مقاوم، باتقوا و پرهیزکار و پراستعداد و مخلص و باصفا و دوست وفادار انقلاب اسلامی بود و به همین جهت آن روز که به خاطر همین امتیازاتش به عنوان رهبری شیعیان پاکستان از سوی علماء محترم آن دیار برگزیده شد، به‌سرعت توانست نبوغ و استعداد اخلاقی خود را آشکار سازد. اما دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی که از موقعیت ممتاز او در میان اقشار مختلف پاکستان، مخصوصاً نسل جوان پرشور این کشور بزرگ اسلامی،



نماد اخلاص و حق‌باوری

■ آیت‌الله سید کاظم حسینی حائری

آشنائی من با مرحوم سید عارف حسینی از اینجا شروع شد که من اینجا در قم «کفایه» درس می‌گفتم. ایشان هم تشریف آوردند به درس من و ظاهراً هر دو جلد کفایه را اگر اشتباه نکرده باشم، پیش من خواندند و بعد تشریف بردند دنبال کارهای اجتماعی و من دیگر خدمتشان نرسیدم تا آن سفری که تشریف آوردند ایران و من به دیدن ایشان رفتم و ایشان هم آمدند برای بازدید. گمان می‌کنم یک شام یا ناهار هم من ایشان را دعوت کردم و تشریف آوردند منزل و در همان جلسات کوتاه و مختصری که داشتیم، اهتمام کامل ایشان به اسلام و اخلاص و واقعیت ایشان و پاک بودن ایشان خیلی روشن بود. از صورت ایشان صدق و اخلاص و پاکی و ورع و اهتمام به مسائل دینی می‌بارید. و اما در مورد شهادت ایشان، ما از روز اول هم شک نداشتیم و بدیهی است که شهادت ایشان یک مطلب حساب شده‌ای بود و به خاطر این که استعمار و کفر جهانی درصد کشتن و شهید کردن آن افرادی است که وجودشان ارزنده است و



گام‌های بزرگ برمی‌دارند و فعالیت‌های فوق‌العاده نسبت به اسلام دارند و ایشان از آن جمله‌اند که مانند بقیه بزرگان، به خاطر خدمت به اسلام، توسط کفر جهانی به شهادت رسید.

امیدواریم همچنان که حیاتش برای اسلام مفید و نافع بود، شهادتش نیز به نفع اسلام باشد و موجب شود که مردم به همین خاطر بیش از پیش به دنبال اهداف او بروند و اهدافش را جامه عمل بپوشانند. ان‌شاء‌الله

اولوالعزمی با چنین شرایطی مواجه بود. البته خداوند بعضی‌ها را چون بالا بردن حضرت عیسی (ع) به آسمان نجات داد و بعضی را از راه دیگر حفظ کردند. شهادت شهید حسینی در تاریخ بشریت یک حادثه عجیب نیست، چون در تاریخ مکررا به وقوع پیوسته است. لذا جهت فهم حقیقت این حادثه باید افکار ویژه‌ای را بررسی کرد.

یک جماعت و اجتماعی که به حد تکامل خود می‌رسد یا به مرحله خاصی از تکامل نائل می‌آید، آن وقت ظالمین احساس می‌کنند که حالا وجودشان در خطر است و تاریخ دارد عوض می‌شود و رهبران انقلابی را از میان برمی‌دارند. خداوند در قرآن کریم به همین امر اشاره می‌فرماید. (سوره اسراء آیات ۷۶-۷۷).

این آیات به ما گوشزد می‌کنند که اجتماع در حرکت تکاملی‌اش به مرحله‌ای می‌رسد که ظالمین مجبور می‌شوند این تکامل و نهضت فراگیر را کنترل کنند و انسان صالح و رهبر نهضت را به قتل برسانند و یا از منطقه دور کنند و یا راه دیگری را انتخاب می‌کنند. این حرکت ظالمین به این معنی است که حرکت تکاملی در مرحله تحول و تغییر داخل شده است و اکنون باید در مرحله دیگر رسالت الهی داخل شود. برای ما مسلمانان لازم و ضروری است که این سنت تاریخی را درک کنیم، مخصوصا اکنون در شرایطی که ما در مناطق مختلف اسلامی می‌بینیم که علماء اسلام به دست دشمنان اسلام به شهادت می‌رسند. در عراق چقدر علماء اسلام به دست دشمنان اسلام به شهادت رسیدند که در صدر آنان شهید باقر الصدر است. ایشان بلاشک از علمای بزرگ عصر حاضر بود و جهان اسلام با شهادت ایشان صدمه بزرگی دید.

در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زمانی که انقلاب مشغول جشن فتوحات خود بود، جهان اسلام شهادت علمای بزرگی را متحمل شد و شخصیت‌هایی چون آیت‌الله شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت‌الله مدنی، صدوقی و افراد بزرگوار دیگری به شهادت رسیدند. همین طور شهداء لبنان چون شیخ راغب حرب. این افراد زمانی به شهادت رسیدند که جامعه لبنانی، مبارزات خود را علیه سازش‌های دول عربی با اسرائیل آغاز کرده بود. هر آنچه در افغانستان رخ داد جلوی چشم و برای ما دردآور است. بعد از حمله شوروی در ابتداء علما را شهید کردند بعضی‌ها را که قبل از مداخله شوروی از بین بردند، همین قضیه هم در پاکستان رخ داد.

اکنون که ما یاد این شهید را گرامی می‌داریم، غم و حزن عجیبی بر قلوبمان سایه انداخته است. برادران پاکستانی قطعاً بیشتر از من این کیفیت را احساس می‌کنند، لکن من خودم را از جرگه شما برادران پاکستانی می‌دانم. یاد هست زمانی که سید مهدی حکیم به پاکستان رفته بود، در پاکستان هیچ تصویری راجع به وحدت مسلمین وجود نداشت. چرا؟ چون حیثیت اسلام در پاکستان خیلی ضعیف و محدود بود و مردم از عمق این مسئله آگاه نبودند و هر کسی در شرایط ویژه‌ای به سر می‌برد. لذا زمانی که سید مهدی حکیم تصور و نظریه اتحاد بین المسلمین را ارائه کرد. یاد هست قبل از همه ابوالاعلی مودودی همکاری و سیعی با آقا سید مهدی حکیم داشت، ولی هم اکنون مشاهده می‌کنیم که مسلمانان در کنار یکدیگر و در یک جبهه‌اند.

در واقع این فکر شهید حسینی است. وقتی بخواهیم راجع به شهید حسینی بحث کنیم باید از نکته اساسی شروع کنیم و به نکاتی پی ببریم که آن نکات اساس افکار شهید حسینی بود. همین فکر انقلاب اسلامی و اساس آن است، چون حسینی شاگرد مکتب اسلام بود و همین سخن را می‌توان راجع به باقر الصدر و شیخ راغب حرب و علما افغانستان نیز برای علمای هر نقطه‌ای از جهان گفت چون همه دارای یک فکر بودند.

سخنرانی در کنگره بزرگداشت شهید عارف حسینی

بحث از شهادت شهید حسینی وسیع و دارای ابعاد مختلف است. مفاهیم، افکار و آراء و در شخصیت شهید حسینی علت اساسی دارند. اگر بخواهیم بحثمان را از یک نکته اساسی این آراء و افکار آغاز کنیم، آن نکته اساسی، مسئله امامت است. این موضوعی است که محور فکر حسینی و علمای دیگر است. در حقیقت محور اسلام نیز امامت است، امامتی که در طول تاریخ بشری و رسالت الهی انبیاء دیگران آن را زنده‌نگه داشتند.

بعد از رحلت رسول اکرم مسئله امامت یک مسئله اساسی و مشکل مسلمانان شد، چون این اختلاف به وجود آمد که بعد از نبی اکرم چه کسی می‌تواند امام شود که او همراه با امامت، مظهر نبوت آخرین نبی و رسول باشد. امامت رهبری امت اسلامی و جامعه است. درست است که از لحاظ اهداف و مقاصد، نظریه امامت اسلامی با دیگران فرق می‌کند، اما از لحاظ امامت و رهبری، نظریه اسلام با دیگران تفاوت اساسی ندارد، چون برای هر مسئله سیاسی و اجتماعی ضروری است که تصویری برای رهبری ارائه شود، لذا رهبری جامعه فقط مسئله‌ای نیست که نظریه اسلامی آن را ایجاد کرده باشد، بلکه این مسئله‌ای است که مربوط به مسئله تشکیل جامعه انسانی است.

هر جامعه‌ای خواهان رهبر و امام است. در این نظریه که هر جامعه‌ای باید رهبری داشته باشد، اسلام با دیگران تفاوتی ندارد، ولی آنچه مورد اختلاف است، در اهداف رهبری است، لذا اختلاف دیگری به وجود می‌آید و آن اینکه رهبری جامعه باید دارای چه معنایی باشد. هدف اساسی‌ای که اسلام از طریق امامت دنبال می‌کند این است که امام از طرف خداوند متعال جامعه را رهبری می‌کند و در این راستا نظریه اسلامی با نظریات دیگر مختلف است.

صفاتی که اسلام برای رهبری بیان کرده با نظریات دیگران تفاوت بسیار دارد. اسلام قویا بر این نکته تأکید می‌کند که امام قبل از همه، باید آن راهی را بلد باشد که به سوی خداوند منتهی می‌شود و این شناخت و آگاهی بر علم موقوف است. امام فریضه هدایت بشری را به عهده دارد و مادامی که وی راه را نشناسد، نمی‌تواند رهبری کند.

نیز در اسلام شرط است که امام باید عادل باشد. برای امام لازم و ضروری است که طبق قسرا ن با حکمت و مواظفه حسنه با مردم رفتار کند، چون هدف این نیست که به تنهایی به خدا برسد، بلکه هدف این است که همه بشریت را الهی کند و برای نیل به این هدف لازم است که با مردم روابط و برخورد خوبی داشته باشد، یعنی دارای فضیلت حکمت و مواظفه حسنه باشند.

صفات دیگری نیز برای امام لازم و ضروری است، مثلا وسعت قلب و تواضع. علاوه بر این صفات فراوان دیگری نیز هست که برای رسیدن به امامت، ضروری است. از همین جا معلوم می‌شود که امام باید شجاع باشد. از لحاظ نظریه اسلام شجاعت به این معنی است که انسان در حالات مختلف و در سختی‌ها، رای شجاعانه‌ای را اختیار نماید. همان طور که ما شاهد شجاعت در وجود امام هستیم که به هنگام خاتمه جنگ ایران و عراق فرمود جام زهر را نوشیدیم، یعنی در حالات و شرائط ناگوار اقدامات شجاعانه می‌کرد.

اگر بخواهیم راجع به شخصیت سید عارف حسینی تحقیق کنیم، باید این صفات را در نظر بگیریم. شهید حسینی از رهبران اسلام و از شاگردان مکتب امام بود. ما راجع به این شخصیت بزرگوار چه بگوئیم؟ ایشان عالم دین بود و در اسلام از همه علما امید است که رهبر باشند. چرا چنین انسانی را شهید نمودند؟ گناهی چه بود؟ اگر بخواهیم این حقیقت را درک کنیم، باید آراء، افکار و شرایط سیاسی‌ای را در نظر بگیریم، شرایطی که در آن شهید حسینی را شهید کردند. با نگاهی به تاریخ رسالت الهی درمی‌یابیم که هر پیامبر



رهبری به سوی اتحاد و بیداری اسلام

شهید آیت‌الله سید محمد باقر حکیم

من به مناسبت شهادت شهید بزرگوار علامه حسینی (رض) که استوانه بزرگ اسلام و رهبر جهاد در راه اعتلای اسلام بود، به شما و تمامی مسلمانان پاکستان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. شهید عارف حسین حسینی که رحمت خدا بر او باد، جان خود را در راه دفاع از اسلام و مستضعفین فدا کرد. شهادت عظمی برای شخصیت‌های عظیم تعجب‌انگیز نیست. زندگی این شخصیت‌های بزرگ همیشه در معرض خطر است. اینها همیشه هدف دشمنان انسانیت بوده‌اند، زیرا اینان عهد کرده‌اند که زندگی خود را در راه اسلام فدا نمایند. این حادثه غم‌انگیز نتیجه توطئه استعمار بین‌المللی است. که به دست مزدوران بدبختی همچون صدام به وقوع پیوسته است که اول خون حجت‌الاسلام و المسلمین سید مهدی حکیم را به زمین ریختند و اکنون شهید بزرگ ما سید عارف حسینی را از ما گرفتند. استکبار جهانی و گماشتگان مزدورش که می‌خواهند در بین مسلمانان تخم نفاق بیفشانند، رهبران مذهبی، بالخصوص این گونه رهبران را هدف توطئه‌های خود قرار داده‌اند؛ رهبرانی که مسلمانان را به سوی اتحاد اسلامی و بیداری مذهبی هدایت و ترغیب می‌کنند. در پشت این توطئه دست مزدوران و گماشتگان استعمار همچون صدام و آل‌سعود قرار دارد.

من توجه برادران محترم پاکستانی را در این اوضاع حساس به مسئولیت‌هایشان جلب می‌کنم: آرامش و تحمل را پیشه خود ساخته، با حلم و هوشمندی متحد شوند و با فداکاری و ایثار در راه‌های پرخطر و سنگلاخ زندگی ثابت قدم باشند که اقتضای عبودیت همین است. خاطر جمع باشید و یقین داشته باشید که این خون مقدس نقش مهمی را در آبیاری شجره اسلام ایفاء خواهد کرد. تمامی رهبران و زعمای اسلامی جهان پشتیبان شما هستند و همه در این درد و غم با شما شریک می‌باشند.

پیام به مناسبت شهادت علامه عارف حسینی

مسلمانان پاکستان راه و فکر او را زنده نگه دارند

آیت الله احمد جنتی

به مناسبت شهادت شهید عارف حسینی به محضر مبارک امام زمان (عج)، مسلمانان پاکستان و خانواده شهید تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. اگر چه شهادت شهید، قلوب همه ما را جریحه‌دار کرد، ولی اینک وظیفه مسلمانان پاکستان است که راه و فکر او را زنده نگه دارند. شهادت شهید ثابت می‌کند که مبارزه او برای حق بود. پاکستان دارای شرایط ویژه‌ای است، جدائی آن از هندوستان به نام اسلام بود. تنها قوت اسلام بود که مسلمان‌ها را برای مبارزه وادار کرد و پیروزی به دست آمد. مبارزات مسلمانان به خاطر اسلام بود، ولی معالاسف تحول فرهنگی پاکستان به دست استعمار صورت گرفت و حکومت به دست افراد غیراسلامی رسید.

قدرت‌های اسلامی بر پاکستان غلبه داشتند و اختلاف بین شیعه و سنی بود و از طرف وهابی‌ها، به نام اسلام



را زنده می‌کنند.

امام در پیام خود فرموده است که ملت عزیز پاکستان و علمای اعلام، نهضت این شهید را زنده نگه دارند، یعنی پرچمی را که با شهادت شهید سرنگون شده بود، برافرازند. والسلام

عقائد غلط ترویج می‌شدند. پاکستان از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیازمند سعودی عربی بود، لذا مجبور بود روابط خوبی با سعودی داشته باشند، لذا شهید با تمامی این مشکلات مواجه شد و در این راه شهادت لازم و ضروری بود.

شهید همه جوان‌ها و دانش‌آموختگان را دور خود جذب کرده بود، جوان‌های پاکستانی مثل حاجیان که دور کعبه طواف می‌کنند، در اطراف شهید طواف می‌کردند، او مرکز انقلاب شده بود.

استعمار نمی‌خواست یک جوان صالح، عارف، عالم و مجاهدی که پرچم اسلام را برافراشته و برای رهبری جوان‌های پاکستانی آمده بود، در مقصد خویش موفق شود و منازل پیشرفت را طی نماید. در پاکستان سعی شد که اسلام آمریکائی را نافذ کنند. اسلام آمریکائی یعنی فتنه‌پروری، مخالفت با فقرا و حمایت سرمایه‌داران. در طوفان حوادث، این مرد جلیل پرچم اسلام را برافراشت، متأسفانه استعمار اجازه نداد که ایشان حکومت اسلامی را ایجاد کند، بعضی‌ها سستی به خرج دادند، والا این شمع هدایت به‌زودی خاموش نمی‌شد. خون شهید عارف و شهدای دیگر، ضامن بقای اسلام است. حامیان اسلام آمریکایی، دنباله‌رو سرمایه‌داران و خودورزان هستند، ولی پیروان اسلام حقیقی، با خون خود اسلام



یاور وفادار ولایت

آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی

بنده اولین باری که با مرحوم آقای حاجت‌الاسلام و المسلمین سید عارف حسین‌الحسینی ملاقات کردم در سفری بود که به عنوان نمایندگی امام به پاکستان رفته بودم. ایشان قبل از مسئله انتخابشان به رهبری، در سفری که من پاکستان بودم، کمال همکاری با دفتر و با ما داشت، آنجا مکرر تشریف می‌آورد و مسائلی را در باره نیازها و احتیاجات پیشاور و قسمت‌های دیگر پاراچنار مطرح می‌کرد.

ایشان رابطه خیلی تنگاتنگ و محبت‌آمیزی با ما داشت و از گوشه و کنار هم ما می‌شنیدیم که همه از ایشان به‌خوبی توصیف می‌کنند و او را به‌عنوان فردی علاقمند به انقلاب اسلامی و علاقمند به امام امت توصیف می‌کردند. حتی در اولین سفری که می‌رفتم

پاکستان و هنوز مفتی جعفر حیات داشت، بسیاری از آقایان پیشنهاد می‌کردند که من ایشان را به لاهور ببرم و امور دفتر نمایندگی حضرت امام به ایشان بسپرده شود که البته نشد. ما آمدیم ایران و دیگر مراجعت نکردیم.

در جریان رهبری هم ایشان تقریباً به اتفاق آرا انتخاب شد. همه آقایان او را به عنوان یک فرد متدین، انقلابی و طرفدار اسلام توصیف می‌کردند. حتی در جلسات خصوصی هم من از بعضی از آقایان - حتی در این اواخر مثلاً یک سال قبل مثل آقای صفدر حسین نجفی شنیدم - که ایشان گفتند که ما او را واقعاً یک شخص متدین می‌دانیم. تقوا و تدبیرش را توصیف می‌کردند.

بنابراین، کسی که در لسان مردم، در لسان متدینین و مسلمان‌ها و علما به‌خوبی و باتقوا و متدین ذکر شود، این برایش کافی است و این بزرگ‌ترین افتخار یک انسان است که در السنه و در زبان مردم به‌خوبی و با تقوا مورد گفتگو قرار بگیرد. بعد از اینکه ایشان به رهبری شیعیان پاکستان انتخاب شد، عملکردش هم

شاهد همان توصیفاتی بود که همه کردند. ما دیدیم که ایشان در مسائل انقلاب خیلی شجاعانه و بی‌باکانه طرفداری می‌کرد و وارد می‌شد، چه مسائلی که مربوط به ایران و چه مسائلی که مربوط به جنگ بود و چه مسائلی که مربوط به عربستان و کشتار وحشیانه سعودی از مسلمان‌های ایران بود و چه در مورد مسائل داخلی پاکستان که ما می‌بینیم او یک مرد شجاع است. آن خصلتی که باید یک رهبر داشته باشد، از نظر شجاعت، شهامت، انصافاً اینکه آن خصلت در ایشان دیده می‌شد.

و مسئله تبعیت از امام و مقام رهبری و اینکه واقعا یک فرد علاقمند به رهبر بود و این هم خیلی روشن بود. در صحبت‌هایش و در عملش و در حرکت‌هایش کاملاً مشخص بود که به مقام رهبری و امام وفادار و علاقمند بود. البته این گونه افراد خواه ناخواه در معرض خطر قرار می‌گیرند و دشمن نسبت به این طور افراد از همان ابتدا می‌خواهد جلوی پیش را بگیرد. مثلاً ما می‌بینیم که مرحوم شهید صدر را در عراق بدون جهت و بدون سبب به قتل می‌رسانند. خوب این پدیده است که می‌دانند اگر روزی ایشان رهبری انقلاب عراق را عهده‌دار می‌شد، می‌توانست در کل دنیای اسلام قدم برجسته‌ای بردارد. نسبت به مرحوم عارف حسین‌الحسینی هم استکبار جهانی به این معنی پی برد که این وجودی است که اگر باقی بماند، طرفداری‌اش از ایران و خلاصه معارضه و مبارزه‌اش با استکبار، صهیونیسم اسرائیل و کفر و زندقه، خیلی مشخص و روشن است. استکبار شرق و غرب دیدند که بهترین راه این است که جلوی این مسئله را بگیرند و او را از میان بردارند.

البته مبارزات ایشان در پاکستان و در طول مدت رهبری و در جریان‌هایی هم که اتفاق افتاده هم مشخص و روشن بود، لهذا این فاجعه را به وجود آوردند و این ضربه را به عالم اسلام زدند و شخصیت والای راستین خط ولایت فقیه را از بین ما برداشتند.



حیات و شهادتی مظلومانه

■ مرحوم آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی

شهید معظم السید عارف الحسینی طاب ثراه چون در حال حیات مظلومانه می زیست، مظلومانه هم به سعادت شهادت نائل و ملحق به اجداد طاهرینش گردید.

آنچه که حقیر از اخلاق حمیده این شهید بزرگوار مشاهده می کردم پنج چیز است، گرچه اگر معاشرت بیشتری داشتم، بیشتر درک صفات ایشان را می کردم:

۱. محافظت بر اوقات نماز چون غالباً قبل از طلوع فجر و قبل از زوال شمس در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) برای شرکت در نماز جماعت حضور داشت.

۲. تواضع فوق العاده که حقا اسم با مسمی (عارف حسینی) ای داشت.

۳. جدیت در تحصیل علوم دینی که اوقات شریف خود را بی جهت مصروف نمی کرد.

۴. قله الکلام و کثره السکوت که این خود شاهد کثر العقل است.

۵. شدت تقوا چنانچه از نامه ای که برای اینجانب نوشته است برمی آید.

چند مطلب از برادران محترم روحانی و غیرروحانی پاکستان انتشار می رود:

۱. تلاش برای به دست آوردن مسبب این شهادت تا به جزای شرعی و دنیوی برسند.

۲. و این مهم تر است که دنبال مرام و هدف آن شهید که گسترش دادن پیروان اهل بیت عصمت (ع) بود بروند و شاید به همین سبب به سعادت شهادت نائل آمد.

در خاتمه موفقیت برادران محترم پاکستانی را در پیشرفت اهداف دینی از محضر حق تعالی خواهانم

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۵ رمضان المبارک ۱۴۰۹ ه ق

الاحقر علی پناه اشتهاردی

امیدواریم که راه صحیح و اسلامی که او همیشه دنبال آن خط بود، بعد از ایشان هم آن راه و طریق که طریق اسلام و ولایت فقیه است، ان شاء الله پیگیری شود و روحانیت پاکستان و مردم پاکستان، اسلام اصیل ناب محمدی را همان طوری که امام در پیامشان فرمودند، این اسلام را تبیین کنند و برای مردم بیان کنند و مردم را به این راه که راه انبیاء و راه ائمه اطهار (ع) است، و راه سرور و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) است، این راه را تعقیب کنند.

شهید از نظر اخلاق بسیار متواضع و پرجاذبه بود و خصوصیت های اخلاقی برجسته ای داشت. در سفر آخری که به ایران آمده بودند، ما دو سه بار با ایشان ملاقات داشتیم. یک بار به دیدن ایشان رفتم و یک بار ایشان به بازدید ما آمدند. یک روز هم ناهار در خدمتشان بودیم. در این دو سه ملاقات هم باز ما دیدیم که آن خصلت های قبلی و آن حالت های اخلاقی که قبل از مسئله رهبری در ایشان بود، همچنان وجود دارد. این یک ویژگی اخلاقی کم نظیر است که شخص قبل از اینکه به یک مقامی برسد و بعد از اینکه به یک مقامی برسد، تفاوت نکند و حالت های یکسان باشد. ما از دوستان و رفقای هم که ایشان قبلاً در نجف و قم داشتند، همین را شنیدیم. ایشان هم در نجف و هم در قم، در درس فضلاء و علماء شرکت می کردند و خیلی علاقمند به تربیت طلاب و محصلین پاکستانی بودند. متأسفانه این فاجعه را استکبار جهانی به دست مزدورانش به وجود آورد و ملت پاکستان و همه مسلمانان را در سوگ ایشان داغدار کرد. والسلام

نیست که به اندازه یک فرزند نسبت به ایشان علاقه دارم.

ایشان دارای ابعاد مختلف بود تا آنجائی که فعلاً الان من در خاطر دارم، هم از نظر کلام، ممارست و درس هایی که یک سلسله از مباحث اعتقادی ایشان پیش خود من بود.

و از نظر تسلط بر مسائل اعتقادی مخصوصاً بحث امامت، مسلط بود. ما با ایشان بیش از سه سال بحث امامت داشتیم و دوستان زیادی شرکت کردند، ولی بین دوستان، ایشان اقوی بود. کتاب های کلامی را اینجا خوانده بود. مباحث کلامی را همان طور که عرض کردم به شکل درس خارج مباحثه ای دیده بود.

اما از نظر فقه، مرحله فقه و اصول ایشان در حدود یک فاضل بسیار خوب بود. بر این معنی که مباحث خارج مخصوصاً در بحث خمس، کاملاً مطالب را فرا گرفته بود و احساس می کردیم که ایشان کاملاً قدرت تحلیل در مسائل را دارد.

من این مقدار احساس کرده بودم که ایشان معلوماتش و استعدادش در فقه و اصول بسیار زیاد است و لذا وقتی خواست به پاکستان برود، به او گفتم: «شما به پاکستان نروید، به دلیل اینکه پاکستان مرجع تقلید ندارد. اگر شما چند سال اینجا بمانید، صلاحیت مرجعیت پیدا خواهید کرد و این موقعیت در انتظار شماست و من می بینم که استعداد این موقعیت را دارید»، ولی ایشان گفت: «من احساس مسئولیت می کنم و وظیفه شرعی خودم را تشخیص داده ام و نمی توانم بمانم».

اما در تفسیر مطالعه زیاد داشت و نسبت به روش تبلیغ، فعالیت زیاد کرد. مطالعات دیگرش خیلی زیاد بود.



حسین الحسینی اعلی الله مقامه الشریف، مورد علاقه شدید این حقیر بود. از همان اوایل ارتباط ایشان با من، من استنباط کردم که ایشان لله درس می خواند و برای اینکه به اسلام خدمت کند، مشغول تحصیل می شد و اعمال او هم انعکاس همان طهارت باطنی و تقوی واقعی بود و صفات و فضائل اخلاقی اش زیاد بود.

این احوالی که من از ایشان دیدم همه حکایت از تقوی باطنی می کرد و دلالت بر تعهد ایشان داشت، لهذا مبالغه

عالمی با طهارت باطنی

■ مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن حرم پناهی

البته می دانیم که وظیفه یک مسلمان همان طوری که در قرآن آمده این است که حب او لله باشد و بغضش هم لله باشد، به همین دلیل شهید عزیز ما حاج سید عارف



محسوب نمی‌شود. دشمن با خیال خود می‌خواست افکار شهید را از بین ببرد. درست است که دشمن وجودش را از بین برد، ولی نتوانست افکارش را محو کند.

ما باید افکار او را زنده نگه داریم و با توجه به پیام امام خمینی، عظمت و ظرف وجودی او را درک کنیم. اجتماعات عظیم ملت پاکستان پس از شهادت شهید عارف نشان داد که ملت پاکستان عاشق شهید بود.

درد و رنج شهید از وضعیت محرومان را از اساس نامه او به نام «راه ما» می‌توانیم درک کنیم، به‌خاطر همین امام خمینی فرموده بودند که شهید، فرزند حقیقی سیدالشهداست.

شهید می‌فرمود: «ما دشمن ستمگر هستیم». از این سخن او می‌توانیم احساس کنیم که ظرف وجودی او چقدر وسعت داشت. شهید برای وحدت همه مسلمین جهان، به‌ویژه مسلمانان پاکستان حتی لحظه‌ای دست از تلاش برنداشت.

شهید برای حتی‌سازای سازش‌های آمریکا عملاً وارد میدان شده بود. ما دیدیم که قرار بود شهید در جلسه‌ای که ضد آمریکا و دولت سعودی تدارک دیده شده بود، شرکت کند، اما قبل از جلسه به شهادت رسید. خبر شهادت شهید کمر دوستان را شکست. علت شهادت شهید مبارزه ایشان با استکبار بود. چنین واقعه‌ای نادر است که شخصیتی چون علامه سید عارف حسینی شهید شود و همزمان با شادی دشمنان اسلام، دوستانش حتی در عالم غم و اندوه هم به اختلاف شیعه و سنی دامن نزنند.

شهید همواره برای وحدت مسلمین تلاش می‌کرد و معتقد بود که در مقابل بت‌ها، وهابیت‌ها و بعضی‌ها باید نبرد عملی کرد. ایشان همیشه پشت و پناه انقلاب اسلامی بود.

استکبار جهانی هنگامی که مشاهده کرد که نمی‌تواند با افکار شهید مبارزه کند، دست‌هایش را به خون شهید آلوده کرد، چون بیم از آن داشت که شهید عارف‌الحسینی به صورت خمینی دیگری در پاکستان ظهور کند.

شهادت او هم مثل مطهری و بهشتی، قتل یک فرد

دلی آکنده از رنج محرومان

حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسن نصرالله

در سمنینار تفکر و اندیشه شهید عارف حسینی در پی سخنان علما می‌خواهم یک نکته اساسی را اضافه کنم و آن نکته، وفا و اخلاص شهید راجع به امام خمینی و جذب شدن در ایشان است. این فکری است که میزان نهضت شهید است. این قضیه اتفاقی نیست که علامه شهید عارف حسینی با بسیاری از علما عراق، ایران و لبنان در یک نکته اشتراک دارد و آن وفا و اخلاص همه اینها نسبت به امام خمینی است. به نظر من حدود افکار اینان همان حدود فکر است و اینها به سبب آن فکر، عاشق امام بودند.

سخن ما در باره تفکر شهید به خاطر عشق ما به تفکر امام است، چون منشأ فکر شهید فکر امام است. شهید عارف حسینی و دیگران مروجان تفکر امام بودند، لذا سخن از تفکر شهید، بیان‌کننده تفکر امام است، راه شهید، راه امام است. این راه به‌قدری روشن است که نیازمند بحث نیست و انقلاب اسلامی و پیروزی آن ثابت می‌کند که هیچ راهی جز راه امام، عظمت اسلام را باز نمی‌گرداند. عارف حسینی متأثر از تفکر امام بود و در این تأثیر، منحصر به فرد بود. ما باید تأثیر کلام و سخن او را درک کنیم. اسلام چیست؟ و از ما چه می‌خواهد؟ شهید، این حقیقت را انتخاب کرد.

تأثیر شهید در یک منطقه محدود نبود، بلکه در بیشتر مناطق مستضعف‌نشین جهان تأثیر به‌سزائی داشت.

اسلامی بود. اطلاع ما از شهادت ایشان به وسیله رادیو ایران بود. پس از اطلاع، تأثیری که ما از شهادت ایشان پیدا کردیم از ابعاد مختلف بود. یکی به خاطر رنج‌هایی بود که ایشان به خاطر تهی‌دستی و فقر تحمل کرد و دیگر محیط خفقان‌آور فکری بود که اغلب علما از این جهت ناراحت بودند، با این همه، ایشان آتی از تحصیلاتش غفلت نداشت.

از بعد دیگر تأسف من به خاطر ذکارت و فراست ایشان بود که نوید می‌داد در آینده بیش از گذشته به اسلام و مسلمین بهره برساند. با شنیدن خبر شهادت ایشان، این امید از ما قطع شد. بعد دیگر شجاعت و توانایی و تسلطش بر زبان‌های مختلف از قبیل زبان‌های فارسی، عربی، اردو بود. طبعاً هر فردی این توانایی‌ها را داشته باشد، خصوصاً اگر تقوای ایشان را داشته باشد، به درد اسلام و مسلمین می‌خورد.

با توجه به این موارد، بعد از شنیدن شهادت ایشان شاید چندین مرتبه گریستم. الان هم وقتی ویژگی‌های ایشان را به خاطر می‌آورم، احساس ناراحتی می‌کنم. امیدوارم روحانیون پاکستان این خسارت را جبران و همان روحیه را در خود پیدا کنند، مخصوصاً جهات تقوایی و صبر و تحمل ایشان در مقابل فقر و سسایر گرفتاری‌ها، تا بتوانند ان‌شاءالله جای ایشان را پر کنند.

شهید در مورد ولایت و تشیع چه اعتقادی داشت و نظرش در باره ولایت فقیه و حکومت اسلامی چه بود؟

عارف‌الحسینی غرق در ولایت‌نامه (ع) و معتقد به ولایت فقیه و پیرو صدرصد حضرت امام خمینی بود. امیدوارم که علما پاکستان و روحانیون پاکستان جای ایشان را خالی نگذارند و مردم پاکستان هم سعی کنند خود را محو در روحانیت بدانند تا ان‌شاءالله تعالی خون شهید عارف‌الحسینی از بین نرود. السلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

مورد نظر ما بود. من از لحاظ درسی برایش کارهای فراوانی را انجام دادم.

شهید از چه زمانی به شخصیت حضرت امام گروید؟ تا آنجا که من اطلاع دارم همان زمانی که با من آشنا شد، به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، علاقه و ارادت داشت. ایشان در حوزه علمیه نجف اشرف، غیر از برنامه‌های درسی چه فعالیت‌های دیگری داشت؟

آن مقداری که من اطلاع دارم، علاوه بر اشتغالات درسی، مشغول تربیت جماعتی از طلبه‌ها بود و برای خدمت به اسلام و مسلمین هیچ کوتاهی نداشت.

از خصوصیات روحی و اخلاقی و اجتماعی ایشان به نکاتی اشاره کنید.

شهید سید عارف از نظر تقوی نمونه، از نظر اشتغال به تحصیل، از نظر استعداد و از نظر صبر و بردباری نمونه بود. با اینکه از نظر مادی در مضیقه بود، هیچ‌گاه فقر و تهی‌دستی مانع او از اشتغالش نبود. به‌قدری ذوق تحصیل داشت که در سفر پیاده، بین علماء نجف، متعارف بود. طالب نوعاً در ظرف سه روز از نجف اشرف تا کربلا می‌رفتند. ایشان به خاطر اینکه از وقش بیشتر برای تحصیل استفاده کند، در شبانه‌روز حدود چهارده فرسخ راه می‌رفت که در روز دیگر به کارهای تحصیلی‌اش برسد. او مردی بود توانا، شجاع، معتقد به مسائل اسلامی، صبور و بردبار و جمیع جهات اخلاقی حسنه را دارا بود. من در این مدت هیچ نقصی در ایشان مشاهده نکردم.

چگونه از شهادت وی مطلع شدید و با توجه به اینکه ایشان یکی از شاگردان بزرگ جناب عالی بود، واکنش شما چه بود؟ به نظر شما چرا دشمنان اسلام ایشان را به شهادت رساندند؟

شهادت ایشان به خاطر دفاع از اسلام و حفاظت از احکام

در تقوا و استعداد نمونه بود

«سلوک علمی و فردی شهید عارف حسینی»

در گفت و شنود با حضرت آیت‌الله

سید حسن مرتضوی

• درآمد

میزان جدید در تحصیل و پیگیری مسائل علمی از جمله شاخص‌های تشخیص و ارزیابی هوشمندی و استقامت شاگردانی است که بعدها زمام امور را در دست می‌گیرند، از این رو فضاوت یک استاد در باره شاگردانش، معمولاً از میزان صحت بالائی برخوردار است. در این گفتگو استاد مرتضوی در باره شاگرد یگانه‌اش سخن می‌گوید.

کی و چگونه با شهید سید عارف‌الحسینی آشنا شدید؟ ارتباط ما با ایشان در نجف اشرف و از زمانی بود که ایشان رسائل و مکاسب را می‌خواند.

شهید در کدام درس‌های جناب عالی شرکت می‌کرد و استعداد درسی‌اش چگونه بود؟

ایشان در درس رسائل و مکاسب ما شرکت داشت و تقریباً در حدود سه سال در مباحثه ما حاضر می‌شد. دارای استعدادی قوی بود و لذا در بین طلابی که در درس ما شرکت می‌کردند، علاقه ما به ایشان از همه بیشتر بود. از افراد معدودی بود که



احیایگر جامعه اسلامی در پاکستان

دکتر علی اکبر ولایتی



ایشان در محراب عبادت به شهادت رسید، لکن استعمار و مزدوران آن نتوانستند در اهداف شومشان پیروز شوند، بلکه این خون شهید است که خون همه ملل اسلامی را به جوش آورده و در بیداری ملت‌ها جنبش تازه‌ای را ایجاد کرده است. جانشین شهید و علمای دیگر، دشمن را در اهداف نامشروعش ناکام گذاشتند. جهان اسلام در سوگ شهادت شهید عارف حسینی غضبناک است و این شهادت را سازش خطرناک استکبار جهانی و دشمنان اسلام تلقی می‌کند.

ما امیدواریم که دولت پاکستان تمامی کسانی را که در این سازش دست داشتند، به مجازات شدیدی برساند و در این راه هیچ گونه غفلتی را مرتکب نشود. اینک مسلمانان پاکستان وظیفه سنگینی را به عهده دارند و باید با هم متحد باشند و بر خطی که شهید ترسیم کرده بود که همانا خط مقابله با استعمار و استکبار است، پایبند باشند.

ما مطمئنیم که ملت پاکستان با تداوم راه شهید، اهداف بلند و متعالی را حاصل نموده و روح شهید را شاد خواهند کرد. والسلام

علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، رهبر شیعیان پاکستان، شاگرد مکتبی امام امت، خمینی بت‌شکن و عاشق او بود. شهید تعلیمات اسلام و قرآن را به‌طور صحیح درک کرده و برای وحدت مسلمانان شبه قاره هند و مقابله با استعمار شرق و غرب اقدامات وسیعی را آغاز کرده بود. رحلت ناگهانی او محرومیت ما از این نعمت عظیم و بسیار تأسف‌بار است. علامه شهید سید عارف حسین حسینی با وجود آنکه امکانات خیلی کمی را در اختیار داشت، در مدت زمان خیلی کوتاهی برای احیای جامعه اسلامی در پاکستان و وحدت و همدلی بین فرق مختلف، اقدامات خیلی مهمی را انجام داد. علاوه بر آن شهید توانست ملل اسلامی را از مکر و فریب دشمن آگاه سازد و سرانجام نیز برای احیای اصول و مقاصد اعلای اسلامی خویش را تقدیم کرد.



فرزند معنوی امام

خانم دکتر زهرا مصطفوی

می‌اندازند. دیدیم که موج اسلام و ندای لیبیک یا خمینی، استکبار را وحشت‌زده کرده است و اسلام را خطر بزرگی برای خود تلقی کرده‌اند.

کدام اسلام برای استکبار خطرناک است؟ اسلام محمدی یا اسلام آمریکائی؟ اسلام محمدی اسلام نابی است که غیرقابل تسخیر است، سلفه دیگران را قبول نمی‌کند، در مقابل دشمنان داخلی و خارجی قد علم می‌کند و حکومت و سیاست را اصل و اساس تلقی می‌کند. اسلام نواب محمدی مصداق این آیه قرآن مجید است که: «اشهدا علی الکفر و رحماء بینهم». اسلام ناب محمدی با خواست‌های جدید عین مطابقت را داراست و به اصول خود پایبند است و این اسلامی است که با قدرت‌های جهانی در ستیز است.

ما شاهد بودیم که امام بزرگوار پیام اسلام را به گورباچف ابلاغ کردند. این جرئت اسلام ناب محمدی است، والا در مسکو که شخصیت‌های کشورهای دیگر جرئت صحبت کردن هم ندارند. من از امام پرسیدم: «چرا گورباچف را به شنیدن پیام اسلام دعوت کردید؟» فرمودند: «چون در او تحولی را مشاهده و احساس کردم وظیفه من است که او را به اسلام دعوت کنم».

امروز نسل جوان از نظام‌های الحادی شرق و غرب مأیوس شده و امید به اسلام دارند، لذا وظیفه ماست که آنان را به سوی اسلام دعوت کنیم، نکند به سوی جاه تاریک اسلام آمریکائی بروند. امام خطاب به رؤسای دولت‌های مختلف فرمودند: «تنها قدس مسئله مسلمانان نیست، بلکه مشکل بزرگ آنان در کشورهایی چون افغانستان، پاکستان و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و حکومت این کشورهاست. نجات مسلمین در وحدت و همدلی است. مسلمانان با اتحاد و همدلی می‌توانند در مقابل قدرت‌نماهای جهان قیام نمایند.» و سوال‌ها بعد ما مشاهده می‌کنیم که رؤسای کشورهای آمریکای فرانسه و دیگران به مسلمانان پیام تبریک عید می‌فرستند. رسانه‌های مختلف جهان اسلام تمجید می‌شوند و این نتیجه نهضت انقلابی امام است، لذا ما امام را یک شخصیت بین‌المللی تلقی می‌کنیم. همین‌طور هم در کردار و گفتار شهید آقای عارف

می‌خواهم راجع به یکی از فرزندان معنوی امام یعنی شهید سید عارف حسینی عراقی را داشته باشم. خداوند به توفیقات جانشین و پیروان آن شهید بیفزاید تا بتوانند راه شهید را ادامه دهند.

می‌خواهم راجع به امام و شهید صحبت‌هایی داشته باشم که هر دو رهروان یک راه بودند و یک هدف را دنبال می‌کردند. می‌خواهم شخصیت بین‌المللی این دو را بررسی و این نکته را بیان کنم که یک انسان چگونه می‌تواند یک شخصیت و مقام جهانی را کسب کند، شما بارها شنیده‌اید که از امام به عنوان یک شخصیت بین‌المللی و مرد این قرن یاد می‌شود. آیا این عنوان نتیجه تلاش‌های رسانه‌های بین‌المللی است یا شرایطی غیر از آن دارد؟ ما می‌توانیم در این زمینه از سخنان و افعال آن شخصیت استفاده کنیم. شخصی که مدافع حقوق مظلومان و مستضعفان باشد و برای حقوقشان تلاش کند و در مقابل استکبار جهانی قد علم کند. چنین شخصی می‌تواند عظمت بین‌المللی پیدا کند.

ما می‌بینیم که امام و فرزند شهید او عارف حسینی برای نجات همه محرومان جهان مبارزه کردند. ما مشاهده کردیم که بعضی‌ها در عراق خیلی از علمای آل‌حکیم را شهید کردند، در پاکستان شهید عارف حسینی را به شهادت رساندند، در لبنان شیخ راغب‌حرب به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید، کریم‌عبید اسرائیلی‌ها در روز روشن ربودند و ایشان هم اکنون نیز در بند اسرائیلی‌هاست، در مصر خالد اسلامبولی بر اثر شکنجه و آزار و اذیت به شهادت رسید و شهادت سید مهدی حکیم در سوئد، کشتار مسلمانان در کشورهایی چون روسیه، هندوستان و فلسطین را مشاهده کردیم. در کشور کویت شیعیان را به جرم حمایت از انقلاب اسلامی به زندان

حسینی مشاهده می‌شود. ایشان در اوایل جوانی راهی را انتخاب کرد و مبلغ و مروج اسلام ناب محمدی شد و از نجف گرفته تا پاکستان، همه جا با اسلام آمریکائی مبارزه کرد. ما از بیانات، سیرت و اساس‌نامه او به نام «راه ما» می‌توانیم دریابیم که ایشان تا چه اندازه درد ملت را درک می‌کرد و جرئت بیان داشت.

امام راحل هنگام شهادت عارف حسینی در پیامی فرمودند: «ایشان رهبر شایسته و برجسته‌ای بود. علمدار اتحادیه بین‌المسلمین بود. او در مختصر مدتی رفت و آمد آمریکایی‌ها را در پاکستان با مشکل مواجه کرد».

ما شنیده‌ایم که ایشان در روز شهادت قرار بود در لاهور، تظاهرات ضد استعماری سعودی را رهبری کند و سخنرانی داشته باشد و دشمن، این را خطر بزرگی برای خود تلقی می‌کرد، لذا ایشان را شهید کرد. خبر شهادت



بعد از شهادت شهید عارف حسینی ما شاهدیم که مردم چه انس و عشقی به شهید دارند. امیدواریم جانشین و پیروان شهید، راه و هدف او را با هوشیاری کامل دنبال نمایند. همه ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که رهبر هر ملت، حیات آن است و رهبر، ملتی را به راه درستی هدایت و رهبری می‌کند. بدون یک رهبر وظیفه‌شناس، وحدت و رسیدن به هدف کار مشکلی است و اطاعت رهبر وظیفه‌شناس بر همه ما واجب است. خداوند به همه ما شأن اطاعت از رهبر را مرحمت فرماید. والسلام

بود. دشمن فهمیده بود که حسینی در پاکستان خمینی دوم خواهد بود، لذا شهیدش کردند. قتل شهید، قتل یک فرد نیست، بلکه دشمن می‌خواهد بسا این عمل، یک تفکر را از بین ببرد. اگر دشمن نتوانست جسم مطهری، بهشتی، باقرالصدر و حسینی را از بین ببرد، ولی تفکرشان هرگز محو نخواهد شد. احیای تفکر شهید حسینی، احیای تفکر اسلام ناب محمدی است. با توجه به عظمت شهید، من قادر به شرح کلماتی که امام در پیام خود ایراد کرده‌اند، نیستم. برای صدور انقلاب و برپائی یک انقلاب بین‌المللی، خیلی چیزها را باید فدا کرد و پیام این شهداء و عظمت و اهداف آنان را زنده نگه داشت.

ایشان مثل آتش در جنگل، به‌زودی در تمام جهان منتشر شد و این فاجعه، کمر پیروان او را شکست. عمده دلیل محبوبیت و شهرت شهید، جهاد ایشان در مقابل استعمار و استبداد بود. مرور لمحهای از حیات شهید، برای ما درس است. افرادی چون شهید عارف حسینی، کم هستند. شهادت شهید موجب شادی دشمنان است، ولی جانشین و پیروان و انصار شهید، دشمن را مایوس خواهند کرد. این شهید عظیم با وهابی‌ها، صهیونیست‌ها و استعمار شرق و غرب مبارزه کرد. شهید دارای تمامی اوصاف انقلابی و الهی و همیشه محافظ انقلاب اسلامی بود. با تمام وجود پیرو خط امام



منادی وحدت اسلامی در پاکستان

علامه سید ساجد علی نقوی

شهید علامه میرعارف حسین حسینی هنگامی به صحنه آمد که مسلمان‌ها وضع مذهبی و سیاسی ناهنجاری داشتند. درست است که مسلمان‌های شبه قاره هند به اسلام محبت می‌ورزند، لکن آنان از اسلام و تشیع تصور درستی نداشتند. در حقیقت این نتیجه تسلط انگلیسی‌ها بر شبه قاره هند بود که قدر و منزلت علما را کم کرده و تا آن حد تنزل داده بود که افراد نسبتاً قدرتمند محلی و منطقه‌ای می‌توانستند یک روحانی را از مسجد بیرون کنند. هر چند آنها علما را استخدام می‌کردند، فعالیت‌هایشان پست و رذیله‌ها بود. رایج بودن زبان فارسی به عنوان زبان دفتری دولت و وجود اسلام، نتیجه اهمیت دادن به علما بود؛ لکن انگلیس با توجه به اهمیت علما خطری را احساس و سعی کرد تا از عظمت آنان بکاهد، لذا تنزل مقام و منزلت علما باعث شد که تبلیغ دینی آنان چندان مؤثر نباشد.

مردم فقط با بعضی از مراسم آشنائی داشتند و حتی نهضت‌های انقلابی هیچ تأثیری بر آنها نداشتند. رفته رفته نهضت آزادی پاکستان شروع شد و با توجه انس و علاقه مردم به اسلام، آنان در راه آزادی پاکستان از هیچ تلاش و قربانی و ایثاری فروگذار نکردند. البته بعد از تشکیل دولت پاکستان، همه وعده‌هایی که به مردم داده شده بود، همه نادیده گرفته شدند، دست‌نشانده‌های غربی حاکم شدند و همه سیاست‌های غربی که در هندوستان رایج بودند، در پاکستان نیز اجرا شدند. نهضت‌های اسلامی وجود داشتند و بعضی از آنها فعال هم بودند و توانستند نوجوان‌ها را از کفر مصون نگه دارند البته عیب این نهضت‌ها وابستگی‌شان به شرق و غرب یا شاهان عرب و غیر عرب بود و نهضت‌های خالص اسلامی که به افکار مردم ارتقاء بخشند، وجود نداشتند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در فکر و عمل مردم پاکستان تحول بزرگی ایجاد شد و پی بردند که اسلام دین کامل و جامع زندگی است و سیاست، اقتصاد، عبادت، حکومت و تمامی ابعاد حیات بشری را در بر می‌گیرد. با انقلاب اسلامی، تحول بزرگی در دنیا ایجاد شد.

و همدلی نظام عادلانه اسلامی نافذ نخواهد شد، لذا در این راه سعی فراوانی کرد. با علما و فرق دیگر ارتباطات و جلساتی داشت. مردم در این جلسات به مسائل ریز می‌پرداختند، ولی ایشان توانست تا حدی آنان را نزدیک به هم کند. این درست است که مردم به اسلام عشق و علاقه داشتند، ولی به ضیاءالحق بدبین بودند. آنان در پی رهبری مخلص بودند. شهید مردم را از دشمنان اسلام آگاه و به آنان تلقین فهماند که دشمن آنان استعمار و دست‌نشانده‌های او هستند و این در زمانی بود که مردم با استعمار آشنائی نداشتند و ما در همان مقطع در مقابل ضیاءالحق مقاومت کردیم. شهید از انقلاب اسلامی درس گرفت و در جامعه پاکستان تحولی را ایجاد کرد و به شیعه و سنی فرمود: «شما دشمن یکدیگر نیستید، بلکه شما شرق و غرب و اسرائیل است». شهید در زمانی به پیروزی رسید که شیعه و سنی دشمن یکدیگر بودند. نگاه ما به نهضت‌ها از زاویه شیعه و سنی بود، لکن شهید حامی همه نهضت‌ها بود، لذا از برادران افغانی نیز حمایت می‌کرد و قبل از شهادت، برنامه‌ای برای رفتن به افغانستان داشت تا از نزدیک با مجاهدین ملاقات کند؛ لذا ما ایشان را شهید انقلاب اسلامی ایران و افغانستان نیز می‌دانیم و همیشه راه او را دنبال خواهیم کرد.

در ابتدای انقلاب اسلامی ایران، شیعیان پاکستان در زمان دولت دیکتاتور ژنرال ضیاءالحق با توجه به شعار او که نظام اسلامی را نافذ خواهد کرد (البته این شعاری بیش نبود که عاری از اخلاص بود) این خطر را احساس کردند که شعار ژنرال فقط برای استحکام قدرت و حکومت خویش است، لذا در مقابل اقدامات او «نهضت اجرای فقه جعفری» را تاسیس کردند تا در صورت نفاذ اسلام، فقه جعفری نیز نافذ شود. انتخاب این اسم برای نهضت از طرف مردم و در مقابل ضیاءالحق بود که می‌خواست اسلام او گروهی باشد، ولی ما باید از اسم صرف‌نظر کنیم و وسعت فکر داشته باشیم و به انقلاب اسلامی نظر افکنیم. وقتی بعضی از برادران به تبدیل اسم نهضت اعتراض کردند، شهید فرمودند: «هیچ مشکلی نیست چون ما بخشی از نهضت بزرگ اسلام هستیم که به رهبری امام خمینی به وقوع پیوسته است». شهید دارای اوصاف بزرگ اخلاقی بود. پشت سر هیچ کس حرف نمی‌زد و اگر کسی در حضور وی از کسی غیبت می‌کرد، ایشان او را از این کار منع می‌کرد. نماز شب را ترک نمی‌کرد. خصوصیات رهبری را داشت. اگر از من بپرسید، خواهم گفت که ایشان برای رهبری خلق شده بود. شهید عارف حسینی احساس می‌کرد که بدون وحدت